



صحت و بطلان معاملات قاچاق کالا و ارز از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی

پدیدآورنده (ها) : محسنی والا، رضا

فقه و اصول :: نشریه مطالعات فقهی و فلسفی :: بهار ۱۳۹۸ - شماره ۳۷ (C)

صفحات : از ۸۲ تا ۱۰۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1757051>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا
- نقدی بر دو لایحه مبارزه با قاچاق کالا، ارز، ریال و اوراق بهادار
- قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور
- تحلیل حقوقی اعاده دادرسی از آرای شعب سازمان تعزیرات حکومتی در خصوص قاچاق
- نگاهی به سند ملی راهبردی مبارزه با قاچاق کالا و ارز
- نگاهی به خلاء قانونی و کاستی های کاربردی قوانین راجع به قاچاق کالا و ارز
- نظام اداری و قاچاق کالا؛ از علت شناسی تا راهکارهای پیشگیرانه
- سیاست جنایی مشارکتی ایران در مبارزه با قاچاق کالا با تأکید بر امور فرهنگی
- اثر قوانین و مقررات بازرگانی و گمرکی بر قاچاق کالا
- پیامدهای قاچاق کالا از منظر امنیت اجتماعی
- دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی
- قطعیت یا عدم قطعیت آراء دادگاههای بدوی در خصوص قاچاق کالا و ارز (نقد رای وحدت رویه شماره ۷۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور)

عناوین مشابه

- قاچاق مواد مخدر به عنوان یکی از مصادیق پولشویی: بررسی دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و حقوق
- جایگاه قصد قربت در وقف از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق ایران
- کاربرد قاعده لاضرر و لا ضرار در مدیریت مبارزه با قاچاق کالا و ارز از منظر فقه شیعه
- قاچاق کالا و ارز از منظر اصول فقه
- پژوهشی در ماهیت آثار و کاربردهای مہایات از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و حقوق موضوعه
- مصرف مواد مخدر از دیدگاه حقوق جزاء فقه اسلامی و عرف
- حقوق و فقه مقارن اقتصادی: قیمت‌گذاری کالا و خدمات از منظر فقه اسلامی با تأکید بر جایگاه ریسک و مرور زمان
- مقالات علمی: درآمدی بر طرح تدوین «فقه انتظامی» امنیت ملی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی
- نگاهی نو به شمول «شبهه» در قاعده درأ از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران
- تبیین و بررسی تلقیح مصنوعی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی

صحت و بطلان معاملات قاچاق کالا و ارز از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی

رضا محسنی والا

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، مسئول حقوقی - قضایی کمیسیون برنامه‌ریزی،
هماهنگی و مبارزه با قاچاق کالا، ارز استانداری قم، قم، ایران. rezanashalji60@gmail.com

چکیده

در رابطه با حکم وضعی خرید و فروش کالای قاچاق، برخی از فقها قائلند به این که نهی در معاملات، مانند این مورد، اقتضای بطلان آنها را ندارد؛ به این دلیل که درست است معامله قاچاق، حرمت تکلیفی دارد و شارع می‌تواند نسبت به ارتکاب آن، عقاب کند، اما این باعث نمی‌شود که معامله کالای قاچاق و خرید و فروش آن باطل باشد، بلکه طرفین معامله، مالک ثمن و مثن می‌شوند. البته در همین مورد، عده‌ای از فقهای دیگر، قائلند به این که مطلقاً نهی در معاملات، مقتضی فساد و بطلان است. بنابراین، علاوه بر حرمت تکلیفی خرید و فروش کالای قاچاق، حکم به بطلان و فساد این نوع معاملات داده‌اند. معاملات کالای قاچاق و ارز از لحاظ رعایت بندهای (۱)، (۲)، (۳) ماده ۱۹۰ ق.م.مشکلی نداشته، چنانکه عنصر قصد و رضا، معین بودن مورد معامله و اهلیت طرفین اصولاً موجود است، مگر خلاف آن ثابت شود. اما با توجه به صراحت بند (۴) ماده ۱۹۰، همچنین ماده ۳۴۸ ق.م. قاچاق کالا و ارز از جهت موضوع غیرقابل انتقال بوده و مشروعیت ندارد. در جرم‌انگاری این معاملات به دلیل وضعیت خاص مبیع و همچنین آسیب‌های اجتماعی که به بار می‌آورد، باعث بطلان قرارداد می‌شود. در این مقاله سعی بر آن است که علاوه بر بررسی فقهی و حقوقی، صحت و بطلان معاملات قاچاق، مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: قاچاق کالا، معاملات قاچاق، بطلان معامله قاچاق، جرم‌انگاری قاچاق، جرایم

قاچاق، قاچاق ارز.

اقتصاد در عصر جدید با پیچیدگی‌هایی روبرو شده است که یکی از این پیچیدگی‌ها معضلی به نام «قاچاق کالا و ارز» می‌باشد. قاچاق یک واقعیت تلخ اجتماعی و یک معضل اقتصادی است که با آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی همراه بوده و آثار زیان‌باری را ایجاد می‌کند (ساخت ایران؛ رسانه ملی و حمایت از کالای ایرانی، ۱۳۹۷).

در سال‌های اخیر همواره موضوع قاچاق کالا و راهکارهای مقابله با آن از جمله مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی در برنامه اصلی اقتصاد کشور مطرح و در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته است. این موضوع از سال‌های دور گریبان‌گیر اقتصاد کشور است، اما در سالیان اخیر با توجه به تشدید مسائل و مشکلات گسترده ضربه به تولید داخلی و ایجاد اشتغال برای نیروی کار فعال به خصوص اقشار تحصیل کرده، از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. چراکه امروزه مشخص شده است که تا زمانی که سودآوری قاچاق کالا بیشتر از تولید و عرضه محصولات تولید داخل است، صرف مبارزه فیزیکی با محصولات قاچاق موجب بهبود این مشکل نمی‌گردد. حتی با فشار بیشتر و افزایش کنترل، نظارت و بازرسی، محصولات قاچاق با روش‌های دیگر در اختیار متقاضیان قرار داده می‌شود و در نهایت هزینه‌های مختلف مبارزه با قاچاق موجب کاهش بیشتر تولید داخل و به تبع آن کاهش اشتغال نیروی کار می‌شود (خالقی نژاد، ۱۳۹۶).

امروزه یکی از جنگ‌ها و مبارزاتی که بین مسلمین و کفار در جریان است، جنگ اقتصادی است که کفار سعی دارند با در دست گرفتن اقتصاد حکومت‌های اسلامی، تسلط و ولایت خود را بر آنها تحمیل کنند. بنابراین، می‌توان گفت کسانی که با اطلاع از این مطلب، کالاهای قاچاق را مورد خرید و فروش قرار می‌دهند، نوعی اعانت بر اثم و عدوان می‌کنند. در رابطه با حکم وضعی خرید و فروش کالای قاچاق، برخی از فقها قائلند به این که نهی در معاملات، مانند این مورد، اقتضای بطلان آنها را ندارد؛ به این دلیل که درست است معامله قاچاق، حرمت تکلیفی دارد و شارع می‌تواند نسبت به ارتکاب آن، عقاب کند، اما این باعث نمی‌شود که معامله کالای قاچاق و خرید و فروش آن باطل باشد، بلکه طرفین معامله، مالک ثمن و مثنی می‌شوند. البته در همین مورد، عده‌ای از فقهای دیگر، قائلند به این که مطلقاً نهی در معاملات، مقتضی فساد و بطلان است. بنابراین، علاوه بر حرمت تکلیفی خرید و فروش کالای قاچاق، حکم به بطلان و فساد این نوع معاملات داده‌اند (عابدیان و ارمک، ۱۳۹۶، ص ۱۳).

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، قاچاق کالا و ارز جرم‌انگاری شده و مجازات‌هایی نوعاً تعزیری همچون شلاق، حبس، تعلیق و جریمه‌ی نقدی برای موارد قاچاق در نظر گرفته شده و قانون خاص (قاچاق کالا و ارز) برای آن به تصویب رسیده است، در شرع نوع جرم و مجازات تعزیری مشخص نیست، اما در این قانون جرم و مجازات معین شده است.

فقه اسلامی، علاوه بر احوال فردی، ماهیتی اجتماعی دارد و ناظر بر حاکمیت و اراده‌ی اجتماع است. قراردادهای مربوط به قاچاق کالا و ارز که باعث تزلزل بازار مسلمین می‌شود، نوعی ضرر به اجتماع مسلمین و اقتصاد آن می‌باشد که بنا بر آراء فقهاء، امر به معروف و نهی از منکر در این زمینه لازم است.

بسیاری از کسانی که درگیر پدیده‌ی شوم قاچاق هستند از احکام تکلیفی و وضعی و آثار سوء آن در حوزه‌های مختلف بی‌اطلاع یا کم‌اطلاع هستند و چه بسا به همین دلیل به این عمل مبادرت می‌ورزند و آن را شغلی مناسب برای خود و خانواده تلقی می‌کنند.

این پژوهش حکم تکلیفی و وضعی معاملات قاچاق کالا و ارز را از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد.

تعریف مفاهیم اصلی (واژگانی)

قاچاق

در لغت‌نامه دهخدا در معنای قاچاق آمده است: «قاچاق (ترکی ص، ا) برده، ربوده، (فرهنگ نظام)، آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است. متاع قاچاق: متاع ممنوع‌الورود یا ممنوع‌المعامله» (۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۲۹۴). در فرهنگ عمید در مورد واژه‌ی قاچاق آمده است: «قاچاق: خرید و فروش کالاهایی که معامله آن‌ها در انحصار دولت یا ممنوع است، وارد کردن یا صادر کردن کالاهایی که ورود و صدور آن‌ها ممنوع است، (صفت) ویژگی کالایی که معامله آن ممنوع باشد» (۱۳۳۷، ج ۲، ص ۹۵۳). در فرهنگ معین در معنای قاچاق آمده است: خرید و فروش اجناس به طور غیرقانونی (ج ۲، ص ۲۰۶).

کالا. ارز

معنای واژه‌ی «کالا» در فرهنگ عمید به این صورت آمده است: متاع، مال‌التجاره، مال (۱۳۳۷، ج ۱، ص ۱۰۵). در لغت‌نامه دهخدا: کالا، کالای، رخت و رخوت، اسباب (۱۳۷۷، ج ۲۷، ص ۳۲).

ارز

معنای «ارز» در فرهنگ عمید به این صورت آمده است: (اقتصاد) سند بانکی که ارزش آن به پول خارجی معین شده باشد. (اقتصاد) پول خارجی که در داخل مملکت خرید و فروش شود (۱۳۳۷، ج ۲). در لغتنامه‌ی دهخدا: «ارز، بهاء (برهان)، قیمت، ارزش (۱۳۷۷، ج ۲). در فرهنگ معین: بهاء، قیمت، ارزش. پول خارجی، پول بیگانه. ارزت‌هاتری که در قراردادهای پایا مبنای محاسبه قرار می‌گیرد. یوزانس ارزی که پس از دریافت کالا حواله می‌شود. ارزدولتی که دولت از طریق بانک‌های مجاز و به نرخ دولتی می‌فروشد. ارزدانشجویی که دولت به دانشجویان خارج از کشور برای ادامه تحصیل می‌دهد. ارزشناور که بهای آن ثابت نیست و براساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. ارزرقابتی که از سوی دولت در رقابت با بازار آزاد عرضه می‌شود. صادراتی ارزی که از طریق فروش کالای صادراتی تأمین می‌شود» (ج ۱، آ-ی).

تعریف مفاهیم اصلی (اصطلاحی)

قاچاق

قاچاق در اصطلاح، هرگونه فرار از نظارت گمرکی یا انجام فعالیت ناقض قانون خاص محدودکننده گفته می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۵۱۰). پدیده قاچاق کالا و یا تجارت زیرزمینی به نقل و انتقال کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی گفته می‌شود، این پدیده یکی از دغدغه‌هایی است که کشورهای در حال توسعه با آن درگیرند (شکیبائی و احمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۴).

کالا

در اصطلاح علم اقتصاد، محصولات و مواد مختلفی که توسط تولیدکننده، به بازار عرضه شود و در برابر دریافت پول، یکی از نیازهای انسان را تأمین و رفع کند، کالا نام دارد. کالاهایی که در بازار عرضه می‌شوند، و به فروش می‌رسند تا توسط مصرف‌کنندگان خریداری شوند و به مصرف برسند، کالاهای مصرفی نام دارند. کالاهایی که تولیدکنندگان دیگری برای تولید کالاهای مختلف دیگر، آن‌ها را خریداری کنند و مورد استفاده قرار دهند، کالای واسطه‌ای نامیده می‌شود. کالاهایی که نیازهای اولیه مصرف‌کنندگان را تأمین می‌کند، کالاهای ضروری و کالاهایی که برای تأمین نیازهای کم‌اهمیت‌تر مصرف می‌شود، کالاهای تجملی نامیده می‌شود (ویکی‌پدیا، کالا، ۲۰۱۹م).

ارز

ارز عموماً نوع پذیرفته شده‌ای از پول است که شامل سکه و اسکناس‌های کاغذی می‌شود و توسط دولت توزیع شده و در داخل اقتصاد گردش دارد. ارز که به عنوان واسطه مبادله کالا و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد، پایه و زیربنای کسب‌وکارها به حساب می‌آید (دهقان، ۲۰۱۹م).

بررسی حقوقی معاملات قاچاق کالا

موارد بطلان معامله‌ی قاچاق از نگاه حقوقی

با مراجعه به قوانین موضوعه می‌توان گفت: مواردی که منجر به بطلان عقد می‌شود، عبارتند از:

فقدان قصد انشای طرفین

منظور از قصد با توجه به ماده ۱۹۱ و مواد بعدی از قانون مدنی، قصد انشاء یا اراده ایجاد عقد است. هرچند قصد و رضا، با هم در یکی از چهار بند ماده ۱۹۰ ق.م.آمه است، ولی نباید اشتباه کرده و آن دو را یکی پنداشت، بلکه با توجه به مواد بعدی قانون مدنی پی می‌بریم که قصد با رضا متفاوت است و فقدان هر کدام، آثار خاص خود را به دنبال خواهد داشت. از نظر تفاوت ماهوی قصد رضا در مراحل فعالیت روانی معامله‌کننده، باید ذکر گردد که مرحله قصد یک مرحله بعد از مرحله رضا می‌باشد. تفکیک قصد و رضا در قانون مدنی نیز به این صورت می‌باشد که قانونگذار با ذکر دو عنوان «قصد طرفین و رضای آنها» در بند یک ماده ۱۹۰ آن دو را از هم جدا کرده و سپس در مواد بعدی، آثار و احکام متفاوت آنها را بیان داشته است. قانونگذار در ماده ۱۹۱ ق.م.آ. خلاقیت و سازندگی عقد را برای قصد انشاء شناخته و در مواد بعدی نحوه ابراز آن را تعیین کرده است و در ماده ۱۹۴ ق.م.ل.م. توافق قصد طرفین را به عنوان شرط صحت عقد بیان داشته و سپس در ماده ۱۹۵ این قانون، عقد فاقد قصد را باطل اعلام کرده است.

فقدان اهلیت

آنچه در این بخش به عنوان یکی از مواردی که منجر به بطلان معامله می‌شود، فقدان اهلیت استیفاء است. مطابق با ماده ۲۱۱ قانون مدنی: «برای اینکه متعاملین، اهل محسوب شوند، باید بالغ و عاقل و رشید باشند». از این ماده استفاده می‌شود که اهلیت دارای سه رکن است: بلوغ، عقل و رشد که در صورت فقدان هر یک از این سه عنصر، مطابق ماده ۲۱۲ ق.م.ف. اعتبار قانونی است.

موارد عدم اهلیت منجر شونده به بطلان

عقل

کسی که در سن تمییز است، ولی عقل ندارد، مجنون خوانده می‌شود و باید گفت، مجنون کسی است که توانایی اندیشیدن و استنتاج از جمع و ترکیب کردن معلومات را ندارد و به همین جهت فاقد اراده است و اعمال او منشاء ارادی ندارد و به همین دلیل وصف بطلان بر اعمال حقوقی که او انجام می‌دهد، مترتب می‌شود. طبق ماده ۱۲۱۳ ق.م.م. مجنون به دو گونه است، دائمی و ادواری. مجنون دائمی، شخصی است که جنون او در ظرف زمان استقرار دارد و دوره‌ای برای افاقه او موجود نیست. برعکس مجنون ادواری، کسی است که جنون او استقرار ندارد و اینکه اعمال حقوقی او که در دوره افاقه انجام می‌دهد، صحیح می‌باشد. شخص مست و بی‌هوش و کسی که در اثر به کار بردن مواد مخدر درک و تمییز خود را از دست داده، مانند مجنون است.

صغیر غیر ممیز (بلوغ)

صغیر غیر ممیز کسی است که توان تمییز ندارد و جز به طور محدود قادر بر شناسایی اشیای محیط و اعمال شخصی نیست و ارزش اشیاء را نمی‌داند. مثلاً یک صغیر غیر ممیز ممکن است به راحتی راضی شود یک قطعه از جواهر ارزشمند را با یک جعبه شکلات معاوضه کند. برای سن تمییز، سن خاصی به عنوان یک ضابطه قطعی مشخص نشده است. پس معاملات اشخاص مجنون و همچنین صغیر غیر ممیز به دلیل عدم وجود عقل و قوه تمییز باطل می‌باشد.

پس به طور کلی معاملات مجنون دائمی و صغیر غیر ممیز باطل است، حتی در تملکات بلاعوض و نسبت به مجنون ادواری هم فقط معاملاتی که در حال افاقه انجام داده، صحیح می‌باشد، آن هم اگر حالت افاقه مسلم باشد (ماده ۱۲۱۳ ق.م.). پس اگر حالت افاقه شخص مجنون ادواری مسلم نباشد و شک کنیم، باید معامله را باطل بدانیم.

فقدان شرایط مربوط به مورد معامله

برای صحیح بودن هر معامله لازم است مورد معامله دارای شرایطی باشد که فقدان یکی از آن شرایط بطلان عقد را به همراه دارد. ماده ۲۱۵ ق.م. اعلام می‌کند: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد». همچنین ماده ۲۱۶ ق.م. اضافه می‌کند: «مورد معامله باید مبهم نباشد، مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است».

با در نظر گرفتن مجموع مقررات مربوط می‌توان شرایط مورد معامله را از قرار زیر دانست که فقدان هر یک موجب بطلان عقد خواهد گردید: مالیت داشتن، عقلایی بودن منفعت آن، مشروع بودن منفعت، مقدور التسلیم بودن، معلوم بودن، معین بودن، قابل انتقال بودن، مملوک بودن، موجود بودن، مشروع بودن عمل مورد معامله.

جهت نامشروع

جهت یا انگیزه تشکیل عقد گاهی با نظم عمومی تعارض پیدا می‌کند. در این صورت اعتبار بخشیدن به عمل حقوقی مزبور از سوی قانون که خود پاسدار نظم جامعه است، در راستای فراهم کردن زمینه پیدایش اختلال در نظم است. مثلاً معتبر و لازم الاجرا شناختن عقد بیع یک ساختمان که انگیزه خریدار آن تاسیس قمارخانه یا مکان فساد در آن ساختمان باشد، گونه‌ای کمک به خریدار برای دستیابی به این انگیزه غیر قانونی و در نتیجه اقدامی بر ضد هدفی است که قانون برای تأمین آن وضع گردیده است، اگرچه اجرای انگیزه مزبور خود عمل مجرمانه و قابل مجازات است. به همین دلیل قانون مدنی در ماده ۲۱۷، وجود انگیزه نامشروع را در طرف معامله در صورتی که بدان تصریح شود، سبب بطلان معامله اعلام کرده است.

آثار بطلان معامله قاچاق از نظر حقوقی

در حکم هیچ بودن عقد باطل

اینکه عقد باطل در دید حقوق و به اعتبار اثری که در روابط اجتماعی به جای می‌گذارد در حکم هیچ است، پدیده‌ای است که در واقع هیچ تغییری در حقوق و تکالیف طرفین عقد به وجود نمی‌آورد. قانون مدنی به این وصف عقد باطل تصریح می‌کند و می‌گوید: «بیع فاسد، اثری در تملک ندارد. ماده ۳۶۵ و ماده ۳۶۶ هم بیان می‌دارد که «هرگاه کسی به بیع فاسد، مالی را قبض کند، باید آن را به صاحبش رد نماید و اگر تلف یا ناقص شود، ضامن عین و منافع آن خواهد بود». پس خریدار در چنین حالتی در حکم غاصب است و وضع او نسبت به مورد معامله تابع قواعد «ضمان قهری» است و نه مسؤولیت قراردادی. با وجود این، گاه در قوانین احکامی دیده می‌شود که نشانه وجود پاره‌ای آثار جنبی بر عقد باطل است. برای مثال در بند ۲ ماده ۳۶۲ ق.م «ضمان درک» از آثار بیع صحیح قلمداد شده است، در حالی که خرید و فروش مالی که به دیگران تعلق دارد، بیعی است باطل.

بطلان، نتیجه فساد در ارکان اصلی عقد است

بطلان، نتیجه فساد در ارکان اصلی عقد و برخورد مفاد آن با مصالح اجتماعی است، به همین جهت نیز، از آغاز آن را بی اعتبار می کند، هرچند که بطلان مدت ها پس از آن اعلام شود. باید فرق گذاشت بین موردی که موجب و سبب فساد در عقدی بعد از انعقاد ایجاد می شود. مثل اینکه همسر زن مسلمان بعد از نکاح کافر شود که در این صورت عقد منفسخ می شود و نه باطل. باید توجه داشت که در خیلی موارد انفساخ و بطلان به جای یکدیگر به کار برده شده اند که باید با تفسیر دقیق نظر قانون گذار را فهمید (مثل مواردی در اجاره که منظور از بطلان در اجاره در واقع انفساخ بوده است).

غیر قابل جبران بودن فساد ناشی از بطلان عقد

فسادی که در ارکان عقد باعث بطلان آن می شود، قابل جبران نیست و دو طرف نمی توانند به تراضی آن را اصلاح کنند. بی گمان آنان می توانند عقد جدید ببندند و همان مضمون را در ترکیبی نافذ مورد تراضی قرار دهند، ولی این عقد از زمان انعقاد اثر دارد و نهاد تازه ای است که گذشته را اصلاح نمی کند. برای مثال چند تن گندم به جای جو به اشتباه فروخته می شود، پس از رسیدن کالا به مقصد، دو طرف به اشتباه خود پی می برند، ولی به مصلحت می بینند که گندم را بازنگردانند و معامله را نسبت به آن بپذیرند، به طور مسلم چنین اختیاری را دارند، لیکن تراضی آنان عقد فاسد پیشین را اصلاح نمی کند و تملیک از زمان توافق تازه انجام می شود. حتی طرفی هم که از عقد فاسد زیان می برد، نمی تواند با رضایت خود عقد را نسبت به گذشته صحیح تلقی کند، چون عقدی به وجود نیامده است.

بطلان، نتیجه تجاوز قهری از قوانین است

بطلان نتیجه قهری تجاوز از قوانین است و نیازی به حکم دادگاه ندارد. اما از سوی دیگر چون فرض می شود که صورتی از عقد فراهم آمده است و برای اثبات خلاف ظاهر است که «بطلان» عنوان می شود، ناچار بایستی دادگاه بطلان عقد را اعلام کند و به اختلاف پایان دهد. تحلیل مرحله ثبوت و اثبات بطلان جمع بین این دو وضع به ظاهر متضاد را روشن می کند. به این معنی که در عالم ثبوت، معامله ای باطل می باشد، ولی برای تحقق این ادعا در مرحله اثبات باید امر در دادگاه مطرح شود و حکمی که دادگاه می دهد، اعلام بطلان عقد می باشد و از زمان ظهوریت و ایجاب و قبول آثار دارد و نه از زمان بیان حکم و می گوییم که در عالم ثبوت نوعاً باطل است، ولی نیاز به حکم بطلان دارد. برای اثبات و حکمی هم که صادر می شود حکم اعلامی می باشد و نه حکم تأسیسی.

اثر بطلان نسبت به طرفین عقد

احراز بطلان عقد نشان می‌دهد که تنها صورتی از آن در رابطه طرفین به وجود آمده. بنابراین، عقد باطل نه تنها در آینده اثر نمی‌کند، در گذشته نیز نفوذ نمی‌کند و همه چیز به حال نخستین بازمی‌گردد.

بطلان مطلق و بطلان نسبی

در حقوق مدنی بطلان عقد، مطلق است و به دشواری می‌توان تصور موردی را کرد که عقد بین دو طرف نافذ و در برابر دیگران باطل باشد یا برعکس، بین دو طرف باطل و نسبت به اشخاص ثالث معتبر. با وجود این، گاه به طور استثنائی به موردی برخورد می‌کنیم که عقد نافذ بین دو طرف در برابر طلبکاران قابل استناد نیست، زیرا قانون‌گذار می‌خواهد از تقلب بدهکار درباره طلبکاران جلوگیری کند، ولی در حقوق تجارت که از حقوق اروپایی متأثر شده است، موارد گوناگونی دیده می‌شود که در آنها بطلان نسبی است و تنها در رابطه ویژه‌ای می‌تواند مورد استناد قرار گیرد. مثلاً در ماده ۴۰ ق.ت. (لایحه اصلاحی) در مورد شرکت سهامی عام می‌گوید که: «انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل او یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضاء کند ...» و در پایان آمده است: «هرگونه انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید، از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است». از خواندن این متن بی‌درنگ این فکر به ذهن می‌رسد که عقد در رابطه بین دو طرف اعتبار دارد، ولی این اعتبار چگونه باید اجرا شود و به آن عمل شود که مسائل مربوط به حقوق تجارت می‌باشد.

نتیجه آنکه از نظر حقوقی:

معاملات کالای قاچاق و ارز از لحاظ رعایت بندهای (۱)، (۲)، (۳) ماده ۱۹۰ ق.م.مشکلی نداشته، چنانکه عنصر قصد و رضا، معین بودن مورد معامله و اهلیت طرفین اصولاً موجود است، مگر خلاف آن ثابت شود. اما با توجه به صراحت بند (۴) ماده ۱۹۰، همچنین ماده ۳۴۸ ق.م، به نظر می‌رسد کالای قاچاق و ارز از جهت موضوع غیرقابل انتقال بوده و مشروعیت ندارد. در جرم‌انگاری این معاملات به دلیل وضعیت خاص مبیع و همچنین آسیب‌های اجتماعی که به بار می‌آورد، باعث بطلان قرارداد می‌شود.

با توجه به تعریف قانون مبارزه با قاچاق؛ ماده ۱ بند «ث»، برخی کالاها که ذاتاً نامشروع و ممنوع هستند، در اینگونه موارد هیچ شکلی در مورد بطلان وجود ندارد و بحث مصرف‌کننده و خریدار با حسن نیت و یا آگاه از عدم مشروعیت مطرح نمی‌باشد. در ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مجازات راجع به اینگونه کالاها سنگین‌تر از مجازاتی است که برای قاچاق سایر کالاها و ارز در نظر گرفته شده است و مجازات حبس به همراه دارد (مهاجر و حسینیان، ۱۳۹۷، ص ۴۷).

علت‌شناسی و مبنای اقتصادی جرم‌انگاری قاچاق

در گرایش به قاچاق کالا، عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، اداری، حقوقی، سیاسی و فرهنگی سهم دارند. بالا بودن مأخذ حقوق ورودی بسیاری از کالاها و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی که برای واردات اعمال می‌شود، دلیل اصلی قاچاق است. شفاف نبودن و بی‌ثباتی و تغییرات پی‌درپی مقررات بازرگانی و سیاست‌های اقتصادی نادرست یا کوتاه مدت و فصلی یا حتی روزانه، شرایط نامطمئن و غیرقابل پیش‌بینی ایجاد می‌کند که فعالیت‌های سرمایه‌گذاری قانونی را کاهش و گرایش به سوداگری و قاچاق را افزایش می‌دهد. مطلوبیت نسبی، کیفیت بهتر و قیمت پائین‌تر برخی کالاهای خارجی، تبلیغات و گرایش مردم به مصرف این کالاها، تحریم‌های اقتصادی، گستردگی مرزهای کشور و مصلحت‌اندیشی‌های مسئولین در مناطق مرزی برای تسکین درد بیکاری و ده‌ها عامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای را می‌توان برشمرد که در قاچاق کالا موثرند. قاچاق کالا در فرایند آموزش درون خانواده‌ها و گروه هم‌سالان به افراد آموخته می‌شود، جوانان می‌بینند که با وجود تورم و گرانی و بیکاری، چگونه عده‌ای در کمترین فرصت، ثروتمند و با تحسین و احترام روبه‌رو می‌شوند (موسایی و احمدزاده، ۱۳۸۹، ص ۴۳).

در بیان مبنای جرم‌انگاری قاچاق در حقوق ایران می‌توان گفت: اقتصاد ایران برای پشتیبانی از صنایع نوپا، متنوع کردن اقتصاد در پرتو نجات کشور از اقتصاد تک محصولی، ایجاد درآمد بیشتر برای دولت، توجه به هدف‌های ملی و دفاعی استراتژیک و اثر گذاشتن بر موازنه تجاری و ایجاد موازنه مثبت و افزایش ذخایر ارزی و برای دستیابی به اهدافی مانند رشد اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری، کاهش نرخ تورم و تعدیل تراز پرداخت‌ها، موافق بکار بستن سیاست‌های تجاری انقباضی چون وضع تعرفه و افزایش مأخذ حقوق ورودی، ایجاد محدودیت مقداری در واردات کالا و به کار گرفتن ابزارهای غیر تعرفه‌ای مانند اعمال قوانین و مقررات محدودکننده واردات می‌باشد و در این راستا گاه خروج از چارچوب تعیین شده را جرم‌انگاری نموده و با «مجازات» پاسخ می‌دهد.

در حالی که با افزایش موانع تجاری مانند افزایش مأخذ تعرفه کالاهای وارداتی هزینه واردات رسمی بالا می‌رود و به دنبال آن انگیزه برای تجارت غیر قانونی و قاچاق با هدف حداکثرسازی سود و پاسخگویی به تقاضای داخلی، تقویت می‌شود (امیرحاجلو، ۱۳۹۳).

مهمترین هدف جرم‌انگاری قاچاق کالا را می‌توان حمایت از درآمد دولت و تولید داخلی دانست، اگرچه قانونگذار ایران، پاسداری از اصول اخلاقی و ارزش‌های جامعه اسلامی و تامین امنیت عمومی و صیانت از بهداشت جامعه را نیز مد نظر داشته است. واردات غیرمجاز کالا، توازن در تراز بازرگانی خارجی کشور را برهم می‌زند، زیرا دولت در برنامه‌ریزی‌های خود با در نظر گرفتن موضوعاتی مانند: سپرده‌های ارزی، درآمدهای ارزی سالیانه، نیازهای وارداتی کشور و... برای ایجاد توازن در تراز بازرگانی و پرداخت بدهی‌های خارجی و تامین درآمدهای عمومی، بسته‌هایی از سیاست‌های تجاری را در پیش می‌گیرد که براساس آن حجم و ارزش واردات و صادرات کشور از قبل معین می‌شود. قاچاق کالا که حجم و ارزش آن دقیقاً مشخص نیست، برنامه‌ریزی‌های اقتصادی را برهم می‌ریزد و تحقق اهداف اقتصادی دولت را ناممکن می‌گرداند و موجب کسری بودجه و اختلال در اجرای برنامه‌های عمرانی و ایجاد رکود در صنایع داخلی کشور و کاهش تولیدات داخلی و افزایش بیکاری می‌شود. از طرف دیگر، کالاهای قاچاق که خارج از نظارت دولت وارد می‌شود، ممکن است شامل کالاهایی باشد که مخالف با نظم عمومی یا شئون ملی یا عفت عمومی و یا مذهب رسمی کشور باشد و یا سلامت و بهداشت و امنیت مردم را تهدید کند (میراحمدیان، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸۸).

مراجع صالح رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز

زمانی که قاچاق کالا به صورت حرفه‌ای و سازمان یافته، یا توسط یکی از مأمورین و کارمندان دولت انجام شود، برای آنها انفصال از خدمت دولتی و یا حبس در نظر گرفته می‌شود. پرونده این اشخاص برای بررسی و رسیدگی در صلاحیت دادگاه انقلاب و دادسرا قرار دارد. به غیر از مورد ذکر شده، سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز در صلاحیت تعزیرات حکومتی قرار دارد. این سازمان مسئول رسیدگی به تخلفات اقتصادی و صنفی می‌باشد و به جرم قاچاق کالا و ارز نیز رسیدگی می‌کند. اگر پرونده قاچاق دارای چندین متهم باشد و به اتهام یکی از آنها در مرجع قضایی رسیدگی شود، اتهامات سایر متهمان نیز در همان مرجع مورد بررسی و رسیدگی قرار می‌گیرد (ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز).

مصادیق قاچاق کالا در قانون

مصادیق قاچاق کالا طبق ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳: علاوه بر مصادیقی که در قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۰۸/۲۲ ذکر شده است، موارد زیر نیز قاچاق محسوب می‌شود:

الف. برنگرداندن کالای اظهار شده به عنوان خروج موقت یا کران بری به کشور در مهلت مقرر در صورت ممنوع با مشروط بودن صادرات قطعی آن کالا.

ب. اضافه کردن کالا به محموله عبوری (ترانزیتی) خارجی و تعویض محموله‌های عبوری در داخل کشور؛ یا کاهش محموله‌های عبوری در داخل کشور.

پ. اظهار کالا به گمرک با ارائه اسناد و یا مجوزهای جعلی.

ت. ورود کالای موضوع بند (ر) ماده (۱۲۲) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۰۸/۲۲.

ج. اظهار کالای وارداتی با نام یا علامت تجاری ایرانی بدون أخذ مجوز قانونی از مراجع ذیربط با قصد متقلبانه.

چ. واردات کالا و ثبت سفارش کالا در سامانه جامع تجارت توسط شرکت ترخیص کالا و ترخیص کار به صورت تجاری با استفاده از تسهیلات در نظر گرفته شده در قوانین و مقررات مربوط برای کالاهای مورد مصرف شخصی مانند تسهیلات همراه مسافر، تعاونی‌های مرزنشینی و ملوانی در صورت عدم اظهار کالا به عنوان تجاری به تشخیص گمرک.

ح. خروج کالاهای وارداتی تجمیع شده مسافری و کالاهای مشمول تسهیلات مرزنشینی و ملوانی از استان‌های مرزی، بدون رعایت تشریفات قانون.

خ. ورود، خروج، خرید، فروش و حواله ارز بدون رعایت ضوابط تعیینی توسط دولت، بدون مجوزهای لازم از بانک مرکزی.

د. عرضه کالا به استناد حواله‌های فروش سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و با سایر دستگاه‌ها مشروط بر عدم مطابقت با مشخصات حواله.

ر. هرگونه اقدام به خارج کردن کالا از کشور برخلاف تشریفات قانونی به شرط احراز در مراجع ذیصلاح با استناد به قرائن و امارات موجود.

ز. سایر مصادیق قاچاق به موجب قوانین دیگر.

مصادیق قاچاق ارز در قانون

در سال ۱۳۹۶، با احصاء برخی از مصادیق قاچاق ارز در کمیسیون اقتصادی مجلس مواردی مورد اشاره قرار گرفته‌اند که عبارت است از:

- انجام هر عملی در کشور که عرفاً معامله‌ی ارز محسوب می‌شود، از قبیل خرید، فروش و حواله توسط اشخاصی غیر از صرافی، بانک یا مؤسسه مالی اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی در صورتی که طرف معامله صرافی، بانک یا مؤسسه مالی اعتباری داخلی دارای مجوز مذکور نباشد (معاملاتی که در حدود ضوابط بانک مرکزی توسط اشخاصی نظیر واردکنندگان و صادرکنندگان صورت می‌گیرد، از شمول این بند خارج است).
- ورود یا خروج ارز از کشور بدون رعایت تشریفات قانونی یا از مسیرهای غیرمجاز.
- هرگونه اقدام به خروج ارز از کشور بدون رعایت تشریفات قانونی یا از مسیرهای غیرمجاز به شرط احراز در مراجع ذیصلاح با استناد به قرائن و امارات موجود به‌عنوان قاچاق ارز محسوب شود.
- معامله فردایی ارز اعم از آنکه توسط صرافی یا غیر آن انجام شود (معامله فردایی معامله‌هایی است که تحویل ارز و ریال به روز یا روزهای آینده موکول شده، ولی منجر به تحویل ارز نمی‌شود یا از ابتدا قصد تحویل ارز وجود نداشته است و قصد طرفین تنها تسویه تفاوت قیمت ارز است).
- انجام کارگزاری خدمات ارزی در داخل کشور برای اشخاص خارج از کشور بدون داشتن مجوز انجام عملیات صرافی از بانک مرکزی (کارگزار شخصی است که مابه‌ازای ارز معامله شده را در کشور دریافت می‌کند).
- ثبت نکردن معاملات ارزی در سامانه‌ی ارزی یا ثبت ناقص یا خلاف واقع اطلاعات مربوط به معاملات مذکور در این سامانه توسط صرافی، بانک یا مؤسسه مالی - اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی.
- ارائه ندادن فاکتور معتبر یا ارائه‌ی فاکتور خلاف واقع یا دارای اطلاعات ناقص به مشتری توسط صرافی، بانک یا مؤسسه مالی اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی.
- عرضه، حمل یا نگهداری ارز فاقد فاکتور معتبر یا فاقد مجوز ورود توسط اشخاصی غیر از صرافی، بانک یا مؤسسه‌ی مالی اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی (موارد کمتر از سقف تعیینی توسط بانک مرکزی برای ورود ارز از کشور از شمول این بند خارج است).

بررسی فقهی

حکم تکلیفی

در پاسخ‌هایی که مراجع عظام تقلید در رابطه با حرمت قاچاق بیان کرده‌اند، به چند دلیل استناد شده است که در سه دلیل خلاصه می‌شود.

قاچاق خلاف قانون است و خلاف قانون، خلاف حفظ نظم و خلاف نظم، جایز نیست.

در فتوای برخی از مراجع تقلید، به صراحت آمده است که خلاف قانون، در هیچ موردی از جمله قاچاق جایز نیست، زیرا قانون، نظام و محور هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد و اعمال خلاف قانون همانند قاچاق باعث می‌شود این نظام و محور از هم بگسلد و در نتیجه منجر به از بین رفتن نظم عمومی و اجتماعی شود. از همین روست که فقها این علت را مد نظر قرار داده‌اند و در حکومت اسلامی توجه فراوانی به قانون کرده‌اند؛ تا جایی که هر آنچه که در مقام مخالفت با قانون باشد را مجوز شرعی نداده‌اند.

فتوای برخی از مراجع در این مورد

امام خمینی در پاسخ به سوالی درباره اجناسی که به‌طور قاچاق از خارج وارد می‌شود و در بازار به فروش می‌رسد و یا به کشورهای دیگر صادر می‌گردد، می‌فرماید: اگر دولت اسلامی مقرراتی در آن دارد، باید مراعات شود و به همین دلیل، در پاسخ به انتقال و صادرات گوسفند و چارپایان دیگر به کشورهای خارجی از راه‌های غیرقانونی، این نوع کسب را خلاف مقررات دولت اسلامی عنوان کرده و آن را شرعاً ممنوع می‌داند (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۶۱)، زیرا ایشان مخالفت با قوانین نظام جمهوری اسلامی را جایز نمی‌دانند (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۹۹۲).

از این‌رو، امام خمینی معتقدند فروش اجناس قاچاق باید با مجوز مقررات دولت اسلامی باشد. چنانچه رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این زمینه مخالفت با قوانین نظام جمهوری اسلامی را جایز نمی‌دانند (امام خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۹۸۳) و معتقدند قاچاق مواد مصرفی مثل پارچه، لباس و ارز و غیره از جمهوری اسلامی به کشورهای خلیج فارس، چون خلاف قانون است، جایز نیست (امام خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۳۳).

آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی نیز معتقد است نظر به این که دولت اسلامی از قاچاق فروشی نهی کرده، باید قاچاق فروشی نکرد و از مقررات دولت متابعت نمود (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲)، زیرا مجوز شرعی ندارد (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۰۲).

آیت‌الله محمد فاضل‌لنکرانی نیز وارد کردن و خرید و فروش اجناس قاچاق را که مخالف مقررات جمهوری اسلامی ایران باشد، حرام می‌دانند (فاضل‌لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۶۹).

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی نیز معتقد است قاچاق کالا برخلاف دستور شرع است و باید از آن به شدت پرهیز کرد. همچنین اگر موجب ضرر و زیان جامعه شود و به اقتصاد کشور اسلامی لطمه وارد کند، جایز نیست. از این رو، کمک به قاچاقچیان در امر قاچاق را جایز ندانسته و گرفتن رشوه در این زمینه را گناه مضاعف می‌داند و امر به معروف و نهی از منکر را در این زمینه امری لازم عنوان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق).

آیت‌الله سیدعلی سیستانی نیز در پاسخ به حکم خرید و فروش کالای قاچاق معتقد است نباید از مقررات تخلف شود (پایگاه آیت‌الله سیدعلی سیستانی، بخش استفتائات) و آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی هم عمل مذکور را جایز نمی‌داند (پایگاه آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، بخش استفتائات).

رعایت قوانین، مصداق وفای به عهد است و وفای به عهد لازم است.

یکی دیگر از ادله حرمت قاچاق، رعایت قوانین است. از این جهت که رعایت قوانین، مصداق وفای به عهد است. مسلمانان پیمان بسته‌اند در کشورهایی که زندگی می‌کنند، مقررات آن کشور را رعایت کنند تا حکومت نیز حافظ حقوق آنها باشد و خلاف قانون از جمله قاچاق، خلاف عهد و پیمانی است که با حکومت بسته‌اند.

البته می‌توان در این دلیل اشکال کرد که در این باره هیچ تعهدی که لازم الوفاء باشد، بین مسلمانان و حکومتی که در آن زندگی می‌کنند، وجود ندارد، زیرا هیچ یک از شرایط یک تعهد، مانند عقد بیع وجود ندارد تا فردی نسبت به یک فرد دیگر و یا حکومت متعهد باشد.

بنابراین، نمی‌توان این دلیل را جزء ادله حرمت قاچاق قرار داد. البته نظر آیت الله سیستانی، خلاف این است، چراکه ایشان در پاسخ به سؤالی در رابطه با آنچه که گاهی در وسایل نقلیه، مثل اتومبیل، قطار، هواپیما و کشتی می‌نویسند (مثل سیگار کشیدن ممنوع) رعایت آن لازم است یا خیر، فرموده‌اند: «اگر آنچه نوشته شده به منزله شرط ضمنی در استفاده از آن وسیله باشد یا قانون حکومت باشد که ملتزم به رعایت آن شده، باید رعایت کنند و تخلف جایز نیست» (سیستانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۵-۱۷۱).

عمل قاچاق، قاچاقچی را در معرض ضرر مالی و جانی قرار می‌دهد که مورد نهی شارع واقع شده است. در فعل قاچاق، خوف ضرر جانی و مالی وجود دارد. از سوی دیگر، هر کاری که در آن خوف ضرر باشد، شرعاً جایز نیست. دلیل عمده این حکم، قاعده «نهی ضرر» است. این قاعده از نظر متن و سند، مورد اتفاق می‌باشد (سیستانی، ۱۳۸۹، ص ۱۱؛ انصاری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۲).

قواعد فقهی مورد استفاده در حکم تکلیفی قاچاق

آنچه به عنوان ادله حرمت ثانویه قاچاق از لسان فقها و قواعد فقهی می‌توان استناد کرد شامل قاعده لاضرر، قاعده غرور، قاعده مصلحت، قاعده نفی سبیل، قاعده افساد فی الارض، قاعده سوق المسلمین، قاعده اعانت بر اثم و عدوان و قاعده نفی رعایت قوانین نظام اسلامی است.

قاعده لاضرر

براساس قاعده لاضرر، واردات قاچاق با منافع ملی در تضاد است، زیرا قاچاق، به منافع ملی ضرر می‌رساند و از این‌رو مشمول کسب حرام بوده و درآمد ناشی از آن نیز حرام است.

قاعده غرور

قاعده دیگر بر حرمت قاچاق، قاعده غرور است که حرمت قاچاق از باب حرمت مقدمه حرام است. مقدمه حرام گاهی سبب فعل حرام می‌شود و گاهی شرط و زمینه فعل حرام را فراهم می‌کند. قاچاق نیز در صورت اول، مقدمیت و به تبع، حرمت آن محرز است.

قاعده مصلحت

قاعده دیگر بر حرمت قاچاق، قاعده اهم و مهم یا قاعده مصلحت است. امام خمینی معتقدند گاه مسائل عالی حکومت مثل حفظ نظام اسلامی، عدالت اجتماعی، حفظ کیان کشور اسلامی، حفظ جان مؤمنان و وحدت مسلمانان، اقتضای آن را دارد که حاکم به تناسب زمان و مکان، پا را فراتر نهاده، حکمی دیگر صادر کند که این، همان احکام حکومتی است که گاه بر احکام اولیه و ثانویه مقدم است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۳۴، ۹۸).

بنابراین، چون قاچاق برخلاف مصالح عمومی نظام و جامعه اسلامی ماست، جایز نیست، ولی هر زمانی که این ممنوعیت برداشته شد، اصل آزادی در انجام معاملات، سر جای خودش باقی است.

قاعده نفی سبیل

قاعده دیگری که بر حرمت ثانوی قاچاق دلالت دارد، قاعده نفی سبیل است. بی تردید یکی از پیامدهای بی‌شمار شیوع قاچاق، تسلط کالاهای خارجی بر بازاری است که بایستی در اختیار تولیدکنندگان مسلمان جامعه اسلامی باشد. در فقه اسلامی هر آنچه که موجب وابستگی به بیگانگان و غیر مسلمانان و تسلط آنها بر جامعه اسلامی گردد، باید ریشه کن شود. از این مسئله تحت عنوان «قاعده نفی سبیل» که از آیه شریفه قرآن کریم مأخوذ است، یاد شده است. بر اساس این قاعده خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را باز نگذاشته است. ادله گوناگونی برای این قاعده ذکر شده است. یکی از مهمترین این ادله، آیه شریفه «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا (نساء، ۱۴۱)» می‌باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۵-۲۰۹).

قاعده افساد فی الارض

قاعده دیگر بر حرمت قاچاق، قاعده افساد فی الارض است. افساد در واقع به فساد و تباهی کشاندن جامعه است. لذا، اغلب فقها، افساد فی الارض را معادل محاربه با خدا دانسته و حکم آن را مرگ می‌دانند. طبق ملاک‌هایی که در افساد فی الارض مانند ایجاد خوف و هراس، ناامنی، برهم زدن نظم اجتماعی، ایجاد تنگنا و مضیقه در حیات اقتصادی و اجتماعی و سد راه معیشت مردم وجود دارد، قاچاق کالا نیز از مصادیق بارز افساد فی الارض شمرده شده است، زیرا نابودکننده اقتصاد سالم و پویا است (نوابی، ۱۳۹۱، ص ۳۲).

قاعده سوق المسلمین

قاعده دیگر پیرامون حرمت قاچاق، سوق المسلمین است که براساس آن، قاچاق، بازار مسلمین را دچار چالش بی‌ثباتی و بی‌نظمی می‌کند. هدف این قاعده آن است که بازار مسلمین حفظ گردد و هرچه به نظام معاملات آنها صدمه بزند، غیر قابل پذیرش می‌باشد. بنابراین، قاچاق کالا یا ارز، باعث به هم خوردن بازار مسلمین شده و تعادلش را به هم می‌زند. لذا ممکن است ادعا شود معاملاتی که منجر به قاچاق کالا یا ارز می‌شود، باطل و بی‌اثر است (یزدانی، ۱۳۹۱، ص ۶).

قاعده اعانت بر اثم

قاعده دیگر بر حرمت قاچاق، قاعده اعانت بر اثم و عدوان است که این نوع کسب، مصداق روشن کمک به گناه و تجاوز به حقوق عمومی است که این گونه همکاری حرام بوده و اجماع فقهای عظام در موارد بسیاری براساس این قاعده فتوا داده‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۳۶۴).

قاعده رعایت قوانین نظام اسلامی

آخرین قاعده دال بر حرمت قاچاق، قاعده نفی رعایت قوانین نظام اسلامی است. بر این اساس، قاچاق برخلاف قوانین کشور و نظام اسلامی است (امام خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۹۹۱) و رعایت قوانین، مصداق وفای به عهد است. مسلمانان پیمان بسته‌اند در کشورهایی که زندگی می‌کنند، مقررات آن کشور را رعایت کنند تا حکومت نیز حافظ حقوق آنها باشد و عمل قاچاق، خلاف عهد و پیمانی است که با حکومت بسته‌اند.

حکم وضعی

با توجه به فتوای برخی از فقها، نهی و حرمتی که برای این نوع معاملات بیان شده، موجب فساد و بطلان این معاملات نیز می‌شود یا این که این نوع نهی‌ها، فقط جنبه تکلیفی دارند و فساد و بطلان معامله قاچاقی را به دنبال ندارند؟

اقتضای نهی در معاملات - منع از قاچاق کالا و معامله آن

در اصول فقه، محققین بحثی را تحت عنوان «ان النهی عن المعامله هل یقتضی فساد ام لا» (آخوند خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۸۰) آورده‌اند. به عبارت دیگر، هرگاه شارع و یا قانونگذار از معامله‌ای نهی کند، آیا این نهی به معنای بطلان و فساد آن معامله است یا خیر؟ در این بحث بین محققین اختلاف نظر و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

دیدگاه اول: فساد معامله به صورت مطلق

این نظر را «صاحب حدائق» به «شیخ طوسی» در «مبسوط» و جمعی از اصحاب نسبت می‌دهد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۱۷۶). علاوه بر این، «نراقی» در «مستند الشیعة» (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۰۰) و «مقدس اردبیلی» در «شرح ارشاد» (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۱۳۶)، قائل به این نظر هستند. برخی هم مانند «محقق نائینی»، معتقدند که نهی از معامله با شرایطی باعث فساد آن معامله است (نائینی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۷۱). اگر این مبنا در نهی از معاملات مورد پذیرش قرار گیرد، از آنجا که با ادله مختلف از قاچاق کالا و معاملات و قراردادهایی که در راستای آن صورت می‌گیرد، نهی شده است، باید این نوع از معاملات را محکوم به بطلان و فساد دانست.

مقررات قانونی هم از مواردی است که از قاچاق کالا و حمل و معامله آن نهی کرده است و مجازات‌های سنگین کیفری در آن وضع شده است. به عنوان نمونه، ماده ۶۲ قانون نظام صنفی کشور، مصوب سال ۱۳۶۲ مقرر نموده است: «عرضه و فروش کالای قاچاق، حمل و نقل، نگهداری، عرضه و فروش کالای قاچاق توسط واحدهای صنفی، ممنوع است و متخلف با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر جریمه می‌گردد . . .».

دیدگاه دوم: عدم فساد به صورت مطلق

این دیدگاه، نظر بیشتر فقهای متأخر است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۱۷۶). این فقها قائلند، نه تنها نهی در معاملات موجب فساد آنها نمی‌شود، بلکه حتی این نواهی، دلیل صحت آنها است، زیرا اگر چیزی امکان تحقق نداشته باشد، تعلق نهی به آن محال و لغو است، چون این تکلیف، تکلیف به امری است که از عهده مکلف خارج است. جناب «علامه حلی» در «تذکره الفقهاء» در باب شرط مالک بودن و یا ولایت داشتن بایع نسبت به کالا، در پاسخ کسانی که به بیع فضولی اشکال می‌گیرند و روایت نبوی «لَا تَبِعْ مَا لَيْسَ عِنْدَكَ» را دلیل می‌آورند، می‌گویند: «النهی فی المعاملات لا یتقضى الفساد»، نهی در معاملات مقتضی فساد نیست (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۵-۱۴). آیت الله خویی در رابطه با عدم فساد در صورت نهی از معامله، در باب فروش سلاح به دشمنان دین، قائل به این است که این نهی از جهت مبعوض بودن خود معامله است. پس فقط حرمت تکلیفی دارد و بر فساد معامله دلالت نمی‌کند (موسوی خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۸۸). بنابراین، با توجه به این نظر و ادله‌ای که برای اثبات آن بیان شد، اگر این مبنا مورد قبول واقع شود، نهی‌ای که از قاچاق و معاملات آن شده است، باعث فساد و بطلان معاملات و قراردادهای مربوط به قاچاق نمی‌شود، بلکه نهی از این نوع معاملات، بنا بر رأی برخی از فقها، مانند محقق خویی، اصلاً به خود معامله تعلق ندارد، بلکه به چیزی که همراه آن معامله است، مانند تقویت کفار در فروش سلاح به اعدای دین، تعلق دارد که نتیجه آن، عدم فساد و بطلان معاملات این‌چنینی است.

دیدگاه سوم: تفصیل بین نهی مولوی و نهی ارشادی

اگر نهی در معامله، ارشادی یعنی غیر تحریمی باشد و مولوی نباشد، مثل «لاتبع ما لیس عندک» که ارشاد به شرط بودن و یا جزء بودن چیزی در معامله است، موجب فساد معامله می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۳؛ امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۶۳-۱۵۸).

اکنون این سؤال پیش می‌آید که نهی‌ای که درباره قاچاق و معاملات قاچاق از طریق ادله حرمت تکلیفی ثابت شد، از چه نوع نهی‌هایی است؟ آیا نهی، مولوی است و فقط موجب حرمت و معصیت می‌شود و یا ارشادی است و موجب بطلان معاملات می‌گردد؟

آنچه از احکام مربوط به قاچاق و نیز قوانین مربوط به آن برمی‌آید، این است که این احکام و قوانین فقط جنبه تحریمی و مولوی دارند و جنبه ارشادی در آنها وجود ندارد. در اثبات این نظر می‌توان دلایلی را ذکر کرد:

۱. قوانین و احکامی که درباره خلاف قانون و ممنوع بودن قاچاق کالا وجود دارد، بر مالک نشدن قاچاقچی و یا خریدار، دلالت نمی‌کند، مگر درباره کالاهای ممنوع التجاره.

۲. این که کالاهای قاچاقی را از باب تعزیر، از قاچاقچی ضبط و توقیف می‌کنند، خود دلیل بر این است که فروشنده و خریدار، مالک کالا شده‌اند، ولی به سبب این که کارشان حرام و خلاف قانون بوده، مستوجب تعزیرند. در غیر این صورت باید در این موارد هم این کالاها جزء کالاهای مجهول المالک باشند که در اختیار حاکم اسلامی قرار بگیرند.

۳. این که فقها معاملاتی را بین فروشندگان و مصرف‌کنندگان صحیح می‌دانند، دلیل بر این است که کالاهای قاچاق که در بازار به وسیله فروشنده و مصرف‌کننده خرید و فروش می‌شوند، کالای مجهول المالک نیستند (فرهنگ‌دلیر، ۱۳۹۳، ص ۲۳۶-۲۳۵). امام خمینی در این باره می‌فرماید: «فروش اجناس قاچاق باید با مقررات دولت اسلامی باشد و چنانچه دولت، مزاحمتی ندارد و در بازار فروخته می‌شود، مانعی ندارد» (امام خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۷). همچنین آیت الله گلپایگانی می‌فرماید: «مخالفت با قوانین حکومتی فقط حرمت تکلیفی دارد، ولی حکم وضعی ندارد» (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۵).

در نتیجه:

پس از این که ثابت شد نهی در معاملات در جایی که مولوی تحریمی است، موجب فساد نمی‌شود و همچنین ثابت شد که احکام و قوانین حکومتی نیز در اینجا از باب نهی مولوی تحریمی است، بنابراین، صحت معاملاتی که قاچاقچی اصلی یا واسطه‌ای انجام می‌دهد، ثابت می‌شود، به ویژه بر روی کالاهای مجاز التجاره. پس این افراد، مالک آن کالا و بهای آن می‌شوند، هر چند معاملاتی که انجام داده‌اند از لحاظ شرعی و قانونی حرام بوده و مستحق عقاب هستند.

اصل اولیه در معاملات

در فقه اسلامی با توجه به عمومات و اطلاقات مانند «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره، ۲۷۵) و «تِجَارَةٌ عَنِ تَرَاضٍ» (نساء، ۲۹) و . . . ، اعتقاد بر این است که اصل اولیه در معاملات، صحت است. البته اصل فساد با توجه به قاعده استصحاب، بر معاملات حاکم است، یعنی صرف نظر از عمومات و اطلاقات، هرگاه معامله‌ای منعقد شد و دلیلی بر صحت آن وجود نداشت، حکم به فساد آن می‌شود، ولی با ملاحظه به عمومات و اطلاقات، اصل اولیه همان اصل صحت است (موسوی خویی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۱۵). مبنای قانونی اصل صحت، ماده ۲۲۳ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «هر معامله که واقع شده باشد، محمول بر صحت است، مگر این که فساد آن معلوم شود». زیربنای تحلیلی این اصل، روش عرفی و عقلایی است که نوعاً در برخورد با ادعای بی دلیل فساد معامله در موارد مسلم بودن اقدام طرفین به تشکیل معامله، معمول می‌دارند که عبارت از حکم به صحت معامله است (شهیدی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵). بنابراین، اصل اولیه در مورد معاملاتی که برای به ثمر رسیدن قاچاق کالا و یا ارز رخ می‌دهد، صحت است، ولی با این وجود، به نظر می‌رسد که صحت این دسته از قراردادهای با موانعی مواجه است و می‌توان به کمک برخی از قواعد ثانویه، حکم به بطلان این دسته از قراردادهای صادر نمود. از جمله روایات، «قاعده سوق» و «قاعده لا ضرر» می‌باشد که در ادامه، هر یک از این موانع به صورت جداگانه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

روایات لزوم حفظ سوق المسلمین

در برخی روایات، اشخاص از ائمه (ع) سؤالاتی می‌پرسیدند و ایشان ضمن پاسخ به سؤال، تعلیلی برای فتوای خود بیان کرده‌اند. ادعا این است که با توجه به تعلیل وارده در روایات این باب، هر چیزی که باعث به هم خوردن نظم بازار مسلمین شود، ممنوع است و باید حکم به بطلان آن صادر نمود. در موثقه «علی بن ابراهیم» از امام صادق (ع) سؤال شده است، اگر چنانچه کالایی را در دست شخصی دیدم، می‌توانم شهادت دهم که آن کالا مال وی است، در حالی که امکان دارد آن کالا مال شخص دیگری باشد؟ امام صادق (ع) می‌پرسد آیا خرید آن کالا بر تو حلال است؟ سائل پاسخ می‌دهد: آری. امام می‌پرسد چطور می‌توانی آن کالا را از وی بخری و بعد قسم بخوری که این کالا مال من است، در حالی که ممکن است آن کالا از آن فروشنده نباشد و مال کس دیگری باشد، ولی نمی‌توانی شهادت دهی که آن کالا مال وی است. در ادامه، امام (ع) می‌فرماید: اگر این کار صحیح نباشد، بازاری برای مسلمانان باقی نمی‌ماند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۲۹۳).

در نتیجه:

قاعده سوق المسلمین، از جمله قواعد فقهی‌ای است که دارای منفعت بسیاری در زندگی می‌باشد و برخی از احکام فقهی بر آن استوار است. این قاعده، به این معناست که بازار مسلمین، نشانه‌ای است که حیوان موجود در آن بازار، با روش شرعی ذبح گردیده و مذکی می‌باشد. هدف این قاعده، آن است که بازار مسلمانان حفظ گردد و هرچه به نظام معاملات آنان، صدمه بزند، غیرقابل پذیرش می‌باشد. بنابراین، بدون تردید، قاچاق کالا و یا ارز، باعث به هم خوردن نظم بازار مسلمین شده و تعادلش را به هم می‌زند. لذا ممکن است ادعا شود معاملات که منجر به قاچاق کالا و ارز می‌شود، باطل و بی‌اثر است (یزدانی، ۱۳۹۱، ص ۶).

قاعده لا ضرر

بدون تردید یکی از قواعد بنیادین در نظام اجتماعی، منع اضرار به دیگران است. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ضرر رساندن به دیگران را مباح بداند. ضرورت این موضوع به حدی است که مدلول این قاعده، جزء مستقلات عقلیه محسوب می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۳۱) و از قواعد معروفی است که در فقه اسلامی مورد بحث و بررسی دقیق قرار گرفته است. علاوه بر این که قاعده نفی ضرر، از مستندات عقلیه شمرده شده است. از این جهت، حتی اگر مستندات نقلی هم وجود نداشت، به حکم عقل، اضرار به دیگران، مورد نهی شارع مقدس و قانونگذار قرار می‌گرفت. از بین آیات قرآن کریم، می‌توان به آیاتی چون «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» (بقره، ۲۳۳)، «نباید مادری به فرزندش ضرر برساند و نیز نباید پدری به فرزندش زیان بزند»، «لَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا» (بقره، ۲۳۱)، «نگه ندارید آنها - زنان - را تا ضرر وارد آورید بر آنها به خاطر آزار رساندن به آنها»، و نیز آیاتی دیگر استدلال کرد که در آنها اضرار به دیگری، ممنوع شده است (سبحانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۲).

روایات متعددی در متون اسلامی در خصوص منع اضرار به دیگری وارد شده است، به گونه‌ای که در آن ادعای تواتر بین اهل سنت و شیعه شده است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۸). از برجسته‌ترین آن روایات، روایت معروفی است که در قضیه «سمره بن جندب» وارد شده است که در ذیل این روایت، رسول مکرم اسلام (ص) می‌فرمایند: «ذهب فاقلعها و ارم بها الیه فانه لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۳)، «برو و آن - درخت خرما - را از جا بکن و نزد او بینداز، زیرا ضرر و ضراری در اسلام وجود ندارد».

صرف نظر از اختلافات شدیدی که بین فقها بر واژه‌شناسی این قاعده و الفاظ به کار رفته در آن وجود دارد، برخی مدلول آن را حکم حکومتی می‌دانند (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۵) و برخی آن را نهی از اضرار به غیر می‌شمارند (اصفهانی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲) و برخی نفی حکم ضرری (انصاری، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۴) و گروهی نفی حکم ضرری به لسان نفی موضوع (آخوند خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص ۴۳۳) و برخی عدم امضای حکم ضرری (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹) و گروهی لزوم تدارک ضرر می‌دانند (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۸)، ولی همگی به این نکته مشترک ملتزم هستند که ضرر رساندن در اسلام، مشروعیت ندارد و عدم مشروعیت، هم شامل مرحله قانونگذاری و هم شامل مرحله اجرای قانون می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۵۶). بنابر نظر برخی از فقها، این قاعده بر احکام اولیه حکومت دارد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹۸). این قاعده می‌تواند در موارد ضرر شخصی، به عنوان دلیل ثانوی، دایره احکام اولیه را محدود سازد، بلکه می‌تواند حاکی از یک خط مشی کلی در تشریح احکام اولیه باشد. بنابراین، دو نتیجه کلی از آن گرفته می‌شود:

۱. احکام الهی، اعم از وضعی و تکلیفی، مبتنی بر نفی ضرر بر مردم، وضع گردیده‌اند.

۲. چنانچه شمول قوانین و مقررات اجتماعی در موارد خاصی موجب زیان گردد، آن قوانین متفرع می‌شوند (محقق داماد، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۵۷).

در نتیجه:

حال در مسأله قاچاق و معاملات مربوط به آن می‌دانیم که ورود کالاهای قاچاق به بازار داخلی، باعث ضرر به نظام اقتصادی کشور شده و شیرازه تولید داخلی کشور را از بین می‌برد. بنابراین، صحت معاملات و اقداماتی که در مسیر قاچاق کالا قرار دارد را شاید بتوان با قاعده لا ضرر مرتفع نمود و حکم به بطلان آن داد.

نتیجه‌گیری

در رابطه با حکم وضعی خرید و فروش کالای قاچاق، برخی از فقها فائلند به این‌که نهی در معاملات، مانند این مورد، اقتضای بطلان آنها را ندارد، به این دلیل که درست است معامله قاچاق، حرمت تکلیفی دارد و شارع می‌تواند نسبت به ارتکاب آن، عقاب کند، اما این باعث نمی‌شود که معامله کالای قاچاق و خرید و فروش آن باطل باشد، بلکه طرفین معامله، مالک ثمن و مثن می‌شوند. البته در همین مورد، عده‌ای از فقهای دیگر، فائلند به این‌که مطلقاً نهی در معاملات، مقتضی فساد و بطلان است. بنابراین، علاوه بر حرمت تکلیفی خرید و فروش کالای قاچاق، حکم به بطلان و فساد این نوع معاملات داده‌اند.

معاملات کالای قاچاق و ارز از لحاظ رعایت بندهای (۱)، (۲)، (۳) ماده ۱۹۰ ق.م.مشکلی نداشته، چنانکه عنصر قصد و رضا، معین بودن مورد معامله و اهلیت طرفین اصولاً موجود است، مگر خلاف آن ثابت شود. اما با توجه به صراحت بند (۴) ماده ۱۹۰ همچنین ماده ۳۴۸ ق.م، قاچاق کالا و ارز از جهت موضوع غیرقابل انتقال بوده و مشروعیت ندارد. در جرم‌انگاری این معاملات به دلیل وضعیت خاص مبیع و همچنین آسیب‌های اجتماعی که به بار می‌آورد، باعث بطلان قرار داده می‌شود.

منابع

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۲۸ق). **کفایه الاصول**. قم: موسسه نشر اسلامی.
۲. اصفهانی، شیخ الشریعه (۱۴۱۰ق). **قاعده لاضرر**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. امیرحاجلو، فضل الله (۱۳۹۳). **تحلیل اقتصادی قاچاق کالا**. تهران: دانشگاه تهران.
۴. انصاری، مرتضی (بی تا). **فواعد الاصول**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
۵. بجنوردی، میرزا حسن (۱۴۱۹ق). **القواعد الفقهیه**. قم: نشر الهادی.
۶. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). **الحدائق الناظره**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۰.
۷. پایگاه آیت الله سیدعلی سیستانی (بخش استفتائات).
۸. پایگاه آیت الله صافی گلپایگانی (بخش استفتائات).
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰). **قاعده نفی و حرج در تعامل با قاچاق کالا و ارز**. بی جا: کتابخانه گنج دانش.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعه**. قم: موسسه آل البیت، ج ۲۷.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). **تذکره الفقهاء**. قم: موسسه آل البیت، ج ۱۰.
۱۲. خالقی نژاد، آرمان (۱۳۹۶). معرفی برخی راهکارهای مقابله با قاچاق کالا و ارز. *خبرگزاری صدا و سیما*. قابل دسترس در: <https://www.iribnews.ir/fa/news/۱۸۶۳۶۵۲>
۱۳. خامنه‌ای، سید علی (۱۴۲۴ق). **اجوبه الاستفتائات**. قم، دفتر آیت الله خامنه‌ای، ج ۲.
۱۴. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹). **صحیفه نور**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۱.
۱۵. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۷). **مناهج الوصول**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲.
۱۶. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۲ق). **استفتائات**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
۱۷. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۴ق). **توضیح المسائل**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
۱۸. خمینی، سید روح الله (بی تا). **الرسائل**. بی جا: بی نا، ج ۱.

۱۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۲۷، ۲۰۱۱.
۲۰. دهقان، میلاد (۲۰۱۹م). ارز چیست؟. سایت بیگ ولت. قابل دسترس در: [/https://bigwallet.ir](https://bigwallet.ir)
۲۱. سبحانی، جعفر (۱۴۱۵ق). الرسائل الاربعه. قم: موسسه امام صادق(ع)، ج ۲.
۲۲. سیستانی، سیدعلی (۱۳۸۹). قاعده لاضرر و لاضرار. ترجمه اکبر نایب‌زاده. بی‌جا: خرسندی.
۲۳. سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۸ق). فقه المغتربین. بی‌جا: بی‌تا.
۲۴. شکیبایی، علیرضا؛ احمدی، علی محمد (۱۳۷۸). مجموعه مقالات پژوهشکده اقتصاد. دانشگاه تربیت مدرس؛ اداره کل مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
۲۵. شهیدی، مهدی (۱۳۸۳). اصول قراردادها و تعهدات. تهران: مجد.
۲۶. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۱ق). حاشیه المکاسب. قم: موسسه اسماعیلیان، ج ۱.
۲۷. عابدیان، سیدحسن؛ ارمک، محمدرضا (۱۳۹۶). بررسی احکام فقهی خرید و فروش کالای قاچاق از منظر ایجاد اختلال نظام. حکومت اسلامی، شماره ۸۳.
۲۸. عمید، حسن (۱۳۳۷). فرهنگ عمید. تهران: کتابخانه ابن سینا، ج ۱-۲.
۲۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۵ق). القواعد الفقهیه. قم: اعتماد، ج ۱.
۳۰. فرهنگ دلیر، مهدی (۱۳۹۳). احکام قاچاق. قم: انتشارات قلم جوان.
۳۱. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲).
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ج ۵، ۷.
۳۳. گروهی از نویسندگان (۱۳۹۷). ساخت ایران؛ رسانه ملی و حمایت از کالای ایرانی. اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه، ویراست دوم.
۳۴. گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۳ق). مجمع المسائل. قم: انتشارات دارالقرآن الکریم، ج ۲، ۵.
۳۵. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۹ق). قواعد فقه. قم: مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۱.
۳۶. محمدی، حمید (۱۳۹۴). اثر قاچاق کالا و ارز بر امنیت اخلاقی، اجتماعی و سیاسی کشور تابناک آذربایجان غربی. [www.tabnakazargharbi.ir//http](http://www.tabnakazargharbi.ir)
۳۷. معین، محمد (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیر کبیر، ج ۲.
۳۸. مقدس اردبیلی، احمدبن محمد (۱۴۱۶ق). مجمع الفائده البرهان. قم: جامعه مدرسین، ج ۸.

۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). **القواعد الفقهیه**. قم: مدرسه امیرالمؤمنین(ع).
۴۰. مهاجر، مینا؛ حسینیان، میترا (۱۳۹۷). شرایط حاکم بر صحت معاملات در معامله کالای قاچاق. *اقتصاد پنهان*، دوره ۳، پیاپی ۲۵، ص ۵۹-۳۷.
۴۱. موسایی، میثم؛ احمدزاده، مریم (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین آموزش اجتماعی و ارتکاب به قاچاق کالا: مطالعه موردی استان هرمزگان. *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۴۳.
۴۲. موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق). **القواعد الفقهیه**. قم: نشر الهادی، ج ۵، ۱.
۴۳. موسوی خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۷ق). **مصباح القاهه**. قم: موسسه انصاریان، ج ۱، ۳.
۴۴. میراحمدیان، روح‌اله (۱۳۸۸). **نگاهی بر مساله قاچاق براساس قوانین سال ۱۳۷۴**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جزا و جرم‌شناسی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
۴۵. نائینی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). **فوائد الاصول**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۶. نراقی، ملاحمد (۱۴۱۵ق). **مستند الشیعه**. قم: موسسه آل‌البیت، ج ۴.
۴۷. نراقی، ملاحمد (۱۴۱۷ق). **عواعد الایام**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۸. نوایی، علی‌اکبر (۱۳۹۱). **قاچاق کالا و ارز در فقه حکومتی**. همایش تخصصی مبانی فقهی - حقوقی قاچاق کالا و ارز. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۴۹. ویکی‌پدیا (۲۰۱۹م). **کالا**. تاریخ آخرین ویرایش: ۶ سپتامبر ۲۰۱۹ ساعت ۰۸:۲۸.
۵۰. یزدانی، غلامرضا (۱۳۹۱). **احکام وضعی قاچاق کالا و ارز**. همایش تخصصی مبانی فقهی - حقوقی قاچاق کالا و ارز. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.